

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



عنوان گزارش:

بررسی مشروعیت قانون جدید ضد تروریسم کانادا در
حقوق بین الملل

نام گروه: حقوق بین الملل

کارشناس: محمد علی زمانی

ناظر علمی: حسین خلف رضایی

ویراستار تخصصی: محمد نیک فرجام

شماره مسلسل: ۹۲۰۳۰۵۰۲۲

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۰۳/۰۵





فهرست

- سخن نخست ۴
- مقدمه ۵
- سابقه‌ی قانونگذاری حمایتی از قربانیان تروریسم در کانادا ۹
- شرح و تحلیل قسمت اول لایحه ۱۰-C (قانون حمایت از قربانیان تروریسم). ۱۹
- شرح و تحلیل بند سوم تا نهم لایحه ۱۰-C: اصلاح «قانون مصونیت کشور» کانادا ۲۱
- توقیف، ضبط، حبس و مصادره اموال کشور خارجی در کانادا ۲۵
- مقایسه "قانون مبارزه با تروریسم و مجازات اعدام موثر" آمریکا با "قانون حمایت از قربانیان تروریسم" کانادا ۲۷
- مشروعیت قانون کانادا از منظر حقوق بین‌الملل ۳۲
- نتیجه گیری ۳۶
- منابع و مأخذ ۳۸





سخن نخست

پژوهشکده مجازی حقوق سازمان بسیج حقوقدانان کشور با رویکرد بهره‌برداری از ظرفیت‌های علمی و تخصصی جامعه علمی و بسیجی کشور در جهت جنبش نرم‌افزاری و تولید علم در موضوع حقوق و رشته‌های وابسته در فروردین ۱۳۹۱ تشکیل گردید. این پژوهشکده در نظر دارد که با رصد نیازهای علمی و پژوهشی و با شبکه‌سازی منابع انسانی (اساتید، دانشجویان و پژوهشگران) به سمت مطالعات دانش‌بنیان و کاربردی متناسب با سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و منویات مقام معظم رهبری، در قالب تولید محتوی علمی (کتاب، مقاله، نشریه^۱، گزارش تحلیلی و...)، برگزاری نشست‌های علمی - تخصصی، همکاری‌های علمی و کارگاه‌های آموزشی گام بردارد.^۲ هم‌اکنون پژوهشکده در گروه‌های تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، حقوق خصوصی، حقوق عمومی، فقه حکومتی و حقوق بین‌الملل فعالیت دارد. پژوهشکده جهت همکاری علمی و پژوهشی از تمامی اساتید و پژوهشگران محترم جهت نیل به اهداف علمی و عضویت آنان در سامانه پژوهشکده دعوت می‌نماید. امید است که با تلاش و مجاهدت علمی جامعه علمی و متعهد حقوقدانان کشور بتوانیم نقش موثری در تولید علم بومی داشته باشیم.

قائم مقام پژوهشکده مجازی حقوق

امین ... زمانی



۱ - مجله علمی - تخصصی پژوهش‌های فقهی - حقوقی

۲ - مجموعه تولیدات، عملکرد و برنامه‌ها در سایت پژوهشکده به نشانی www.basijlaw.ir قابل دسترسی می‌باشد. که از جمله آن می‌توان به موارد

ذیل اشاره کرد:

(الف) تولید نرم‌افزارهای آموزشی در رشته‌های مختلف حقوق

(ب) برگزاری نشست‌های تخصصی و علمی با حضور اساتید و اصحاب رسانه

(ج) برگزاری دوره آموزشی فقه حکومتی با حضور آیت‌... کعبی

(د) برگزاری همایش ملی بازخوانی فقهی - حقوقی نهادهای اساسی جمهوری اسلامی ایران

(و) تولید بیش از پانزده گزارش تحلیلی علمی در موضوعات مختلفی حقوقی

(ز) انتشار فصلنامه علمی - تخصصی پژوهش‌های فقهی - حقوقی

(ک) تألیف کتب و مقالات مرتبط با رشته‌های مختلف حقوق





مقدمه

در حقوق داخلی کشورها تنها در ایالات متحده و کانادا سابقه‌ی قانونگذاری در خصوص تروریسم به عنوان استثنایی بر مصونیت دولت وجود دارد. در ایالات متحده قانون مصونیت حکام خارجی^۱ در سال ۱۹۷۶ به عنوان مبنای رسیدگی به دعاوی مطروحه علیه دولت‌های خارجی تصویب شد و مصونیت قضایی دولت‌های خارجی از محاکم ایالات متحده؛ بجز چند استثنا مانند دعاوی ناشی از فعالیت‌های تجاری در قلمرو آمریکا یا دارای اثر مستقیم در آمریکا^۲ و یا شبه جرایم ارتكابی توسط عوامل دولتی منجر به صدمه یا مرگ در خاک آمریکا^۳؛ را مورد شناسایی قرار داد. در اصلاحیه سال ۱۹۹۶ که از رهگذر تصویب قانون ضد تروریسم و مجازات مرگ موثر^۴ صورت پذیرفت استثنای جدیدی بر مصونیت دولت‌های خارجی که از سوی وزارت خارجه ایالات متحده به عنوان حامی تروریسم شناخته شده‌اند وارد گردید. به موجب این اصلاحیه، به محاکم فدرال برای رسیدگی به دعاوی اتباع آمریکایی برای جبران خسارات مالی ناشی از شبه جرم‌های فراسرزمینی شامل شکنجه، خرابکاری در هواپیما، گروگانگیری و قتل فراقضایی، صلاحیت اعطا شده است.^۵

^۱ Foreign Sovereign Immunities Act ۱۹۷۶ (FSIA)

^۲ See ۲۸ U.S.C. (sec.) ۱۶۰۵(a)(۲)

^۳ Ibid. (sec.) ۱۶۰۵ (a)(۵)

^۴ Anti-Terrorism and Effective Death Penalty Act of ۱۹۹۶ (AWDPA)

^۵ ۲۸ U.S.C.(sec) ۱۶۰۵ (a)(۷)





سابقه ی دیگری که در خصوص تصویب قانون در خصوص تروریسم به عنوان استثنایی بر مصونیت دولت وجود دارد لایحه ۱۰-C کانادا مصوب ماه مارس ۲۰۱۲، که از آن با عنوان «قانون خیابان‌ها و جوامع امن^۱» یاد می‌شود. این لایحه که به عنوان یک قانون چندگانه در واقع قوانین مختلف کانادا را مورد اصلاح قرار می‌دهد در قسمت اول خود تحت عنوان قانون «عدالت برای قربانیان تروریسم^۲» با اصلاح «قانون مصونیت کشور^۳» کانادا مبنای جدیدی برای قربانیان تروریسم به وجود آورده و به آن‌ها اجازه می‌دهد جهت ضرر و زیانی که به واسطه‌ی اعمال تروریستی (در معنای ماده ۸۳ «قانون جزایی کانادا»^۴) متحمل شده‌اند؛ علیه گروه‌های تروریستی یا کشورهای حامی

^۱ Safe Streets and Communities Act

^۲ Justice for Victims of Terrorism Act

^۳ State Immunity Act

^۴ Canadian Criminal Code (R.S.C., ۱۹۸۵, c. C-۴۶), PART II "TERRORISM", Available in: <http://laws-lois.justice.gc.ca/eng/acts/C-۴۶/>

بنابراین به منظور طرح دعوا به موجب «قانون حمایت از قربانیان تروریسم» خواهان باید از یکی از اعمال یا ترک فعل‌های زیر متحمل ضرر و زیان شده باشد (این قسمت از «قانون حمایت از قربانیان تروریسم» به قانون مجازات کانادا اشاره دارد)

• فراهم کردن عالمانه و عامدانه‌ی اموال برای تروریست یا اعمال خاص دیگر (قسمت ۸۳،۰۲ قانون جزای کانادا)

• فراهم آوردن عامدانه‌ی خدمات یا اموال برای فعالیت‌های تروریستی (قسمت ۸۳،۰۳)

• یه کارگیری یا تملیک دارایی به مشور تسهیل یا ارتکاب اعمال تروریستی ۸۳،۰۴...)

• معامله‌ی عالمانه‌ی اموال تروریست‌ها یا اموالی که در اختیار گروه تروریستی بوده است، نقل و انتقال یا کمک به دادو ستد چنین اموالی، تامین عالمانه‌ی مالی یا ارائه‌ی خدمات در رابطه با این اموال)

قسمت ۸۳،۰۸ و ۸۳،۱۲)





تروریسم که دولت کانادا آن‌ها را به این عنوان شناسایی کرده است، اقامه‌ی دعوا نمایند.

با توجه به این که ایران یکی از کشورهای است که تصویب این قانون منافع آن را تحت تاثیر قرار داده است^۱ بر آن شدیم تا با بررسی عوامل و سوابق طرح این لایحه و بررسی محتوای آن مشروعیت یا عدم مشروعیت آن

• تصور در اعلام به «کمیسر پلیس سلطنتی کانادا» یا «مدیر سرویس اطلاعات و امنیت کانادا» وجود چنین اموالی در میان دارایی شخص و تحت کنترل او با علم به این که این اموال جز اموال تروریست‌ها بوده یا از اموالی بوده است که در کنترل آن‌ها قرار داشته است (قسمت ۸۳،۱ و ۸۳،۱۲)

• خصوص نهادهای مالی، تراست‌ها یا شرکت‌های تامین مالی، موسسات اعتباری و سایر سازمان‌های ارائه‌ی خدمات مالی یا شرکت‌های بیمه‌ای یا امنیتی از گزارش مال متعلق به «موجودیت مذکور در لیستی» یا در کنترل آن خودداری کند یا اگر این اموال در تصرف این نهادهای مالی... است از گزارش جزئیات آن خودداری کنند (قسمت ۸۳،۱۱ و ۸۳،۱۲)

• مشارکت عالمانه در فعالیت‌های گروه‌های تروریستی (قسمت ۸۳،۱۸)

• تسهیل عالمانه‌ی فعالیت‌های تروریستی (قسمت ۸۳،۱۹)

• ارتکاب فعل غیرقانونی در جهت منافع، به دستور یا در ارتباط با گروه تروریستی (قسمت ۸۳،۱۸)

• تعلیم مستقیم یا غیر مستقیم فرد جهت ارتکاب اعمالی در جهت منافع، به دستور یا در ارتباط با گروه تروریستی (قسمت ۸۳،۲۱)

• تعلیم مستقیم یا غیر مستقیم فرد جهت ارتکاب عمل تروریستی (قسمت ۸۳،۲۲)

• پناه دادن به فرد با اطلاع از ارتکاب عمل تروریستی یا احتمال ارتکاب عمل تروریستی توسط او به منظور که او قادر به ارتکاب این عمل گردد یا ارتکاب آن تسهیل شود (قسمت ۸۳،۲۳)

^۱ در این خصوص می‌توان به قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران در لیستی که به موجب لایحه C-۱۰ توسط کانادا از کشورهای حامی تروریسم ایجاد می‌شود اشاره نمود. لازم به ذکر است اولین حکمی که در بر اساس این لایحه به اجرا در آمده نیز علیه کشورمان بوده است. جهت اطلاعات بیشتر رجوع شود به: مقاله : « نقض مصونیت ایران توسط کانادا» در وبلاگ حقوق بین‌الملل پارس در :

<http://www.internationallaw.blogfa.com>





را در حقوق بین‌الملل و نتایجی که تصویب این قانون برای کانادا در پی خواهد داشت را مورد بررسی قرار دهیم.

لایحه‌ی C-۱۰ و قانونگذاری چندگانه جدید کانادا

در ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۱ وزیر دادگستری کانادا لایحه C-۱۰ (که از آن با عنوان قانون خیابان‌ها و جوامع امن نامیده می‌شود) را به مجلس عوام این کشور تقدیم کرد.^۱ این لایحه متشکل از ۹ لایحه بود که به صورت جداگانه در پارلمان چهل‌م کانادا مطرح شده بود.

قسمت اول لایحه‌ی C-۱۰ قانون جدید حمایت از قربانیان تروریسم را ایجاد کرد تا به واسطه‌ی آن مبنای جدیدی برای قربانیان تروریسم به وجود آید تا به موجب آن بتوانند برای ضرر و زیانی ناشی از معنایی که در قانون جزای کانادا از تروریسم بیان می‌شود اقامه‌ی دعوا نمایند. این قسمت از لایحه علاوه بر این «قانون مصونیت کشور»^۲ را مورد اصلاح قرار داده و از کشورهای حامی فعالیت‌های تروریستی سلب مصونیت می‌نماید.^۳ با این همه



^۱ به موجب این لایحه؛ قانون قربانیان تروریسم در اصلاح قانون مصونیت کشورها، قانون مجازات، قانون داروها و مواد مخدر، قانون آزادی تادیبی و مشروط، قانون بزهکاران نوجوان، قانون مهاجرت و حمایت از پناهندگان و قوانین دیگری؛ مورد اصلاح قرار گرفت.

^۲ Canadian State Immunity Act (R.S.C., ۱۹۸۵, c. S-۱۸) Available in: <http://laws-lois.justice.gc.ca/eng/acts/S-۱۸/>

^۳ قانون مصونیت سال ۱۹۸۶ کانادا متضمن قاعده‌ی کلی مصونیت است که مانع از تحت تعقیب قرار گرفتن سایر کشورها در دادگاه‌های داخلی کانادا می‌شود. در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.





سلب مصونیت و تعقیب قضایی تنها از کشورهای صورت می‌گیرد که در لیستی که توسط هیئت دولت کانادا تهیه می‌شود قرار می‌گیرند.^۱ این لایحه به عنوان یک قانونگذاری چندگانه^۲ قوانین مختلف کانادا را مورد اصلاح قرار می‌دهد و تنها قسمت اول آن که تحت عنوان قانون «عدالت برای قربانیان تروریسم» با اصلاح «قانون مصونیت کشور» کانادا مبنای جدیدی برای قربانیان تروریسم به وجود آورده و به آن‌ها اجازه می‌دهد به واسطه‌ی ضرر و زیانی که به واسطه‌ی اعمال تروریستی (در معنای ماده ۸۳ «قانون جزای کانادا») متحمل شده‌اند؛ علیه گروه‌های تروریستی یا کشورهای حامی تروریسم که دولت کانادا آن‌ها را به این عنوان شناسایی کرده است، اقدامی دعوا نمایند و تنها این موضوع مرتبط با منافع جمهوری اسلامی ایران یعنی موضوع مورد بحث ما است بنابراین شاید لازم باشد تا به بررسی دقیق‌تر این قسمت از این قانون پرداخته شود.

سابقه‌ی قانونگذاری حمایتی از قربانیان تروریسم در کانادا

قربانیان حملات تروریستی سالها به دنبال تصویب قانونی مشابه با بخش اول لایحه C-۱۰ بوده‌اند. ائتلاف کانادایی علیه ترور^۳ که ائتلافی از قربانیان و

^۱ Enactment of the Justice for Victims of Terrorism Act and amendments to the State Immunity Act [Bill C-۱۰, Part ۱, Clauses ۲-۹ (formerly Bill S-۷)]in: http://www.parl.gc.ca/About/Parliament/LegislativeSummaries/bills_ls.asp?ls=c۱۰۰۲&Parl=۴۱&Ses=۱&source=library_prb&Language=E

^۲ Multiple Legislation

^۳ Canadian Coalition Against Terror (C-CAT).





سایر کسانی است که در مبارزه با تروریسم منافی دارند همواره سهم تاثیر بسیار زیادی بر پیشنهاد لوایح مشابه لایحه‌ی ۱۰-C در طول شش سال گذشته داشته‌اند. نخستین لوایح پیشنهادی در سنای کانادا توسط داوید تکاچوک^۱ و در مجلس عوام توسط استاکول دی^۲ مطرح شد.

طرفداران تصویب این قوانین استدلال می‌کردند که از آنجا که مقررات کیفی که برای مبارزه با حمایت مالی از تروریسم وجود دارد تا کنون باعث محکومیت این عمل در دادگاه نشده است باید به طریق دیگری به طور موثری با حمایت مالی از تروریسم مبارزه کرد. علاوه بر این که بروز و نمود عمومی چنین فعالیت‌هایی از طریق رویه‌ی محاکم از عوامل مهمی است که مانع از این عمل می‌شود استدلال می‌شود که منافی که در طرح دعوای مدنی است بسیار بیشتر از طرح دعوای کیفری است زیرا طرح دعوای کیفری عموماً ناموفق خواهد بود و از سوی دیگر دعوای مدنی می‌تواند به عنوان مقدمه‌ای برای طرح دعوای کیفری به شمار آید^۳ و بالاخره استدلال می‌شود که ایجاد فرصت برای طرح دعوای مدنی این فرصت را برای قربانیان تروریسم به وجود می‌آورد که بتوانند به طور رسمی خساراتی که به آن‌ها وارد شده و تجربیات تلخی که به آن‌ها وارد شده است را مورد شناسایی قرار دهند. از سوی دیگر در مواردی که قربانیان می‌توانند مبلغی که توسط دادگاه در نظر



^۱ David Tkachuk

^۲ Stockwell Day

^۳ Canadian Coalition Against Terror, A Legislative Proposal to deter terrorism by providing a civil right of action against the sponsors and perpetrators of terrorism, July ۲۰۱۱.





گرفته می‌شود را دریافت نمایند تا اندازه‌ای خسارت برای آن‌ها جبران می‌شود.^۱

در اینجا لازم است بیان شود که تعدادی از مقالاتی که موضوع مورد بحث ما را مورد بررسی قرار می‌دادند با اشاره به لایحه‌هایی مانند لایحه‌ی ۳۵-C^۲ بیان می‌داشتند: «با این که از نظر تئوریک در کانادا قربانیان حق دریافت خسارت از بازیگران غیر دولتی به واسطه‌ی حمایت از تروریسم را دارند اما به هر ترتیب «در حال حاضر (در کانادا) بدون استناد به چنین لایحه‌ی امکان طرح دعوا علیه افراد یا گروه‌های تروریستی غیر دولتی وجود ندارد»^۳ مزیت لایحه‌ی پیشنهادی این است که هدف مشخص آن این است که با

^۱ Prasanna Ranganathan, "Survivors of Torture, Victims of Law: Reforming State Immunity in Canada by Developing Exceptions for Terrorism and Torture," *Saskatchewan Law Review*, Vol. ۷۱, ۲۰۰۸, pp.۳۴۳-۳۸۹.

^۲ قسمت اول لایحه‌ی ۱۰-C به طور کلی مشابه با لایحه‌ی ۷-S است که در ۲۱ آوریل ۲۰۱۰ به ابتکار نماینده‌ی دولت در سنا آقای مارگری لبرتون Marjory Leberton مطرح شد اما به دلیل انحلال پارلمان در مارس ۲۰۱۱، شکل قانون به خود نگرفت. لایحه‌ی ۷-S نیز مشابه لایحه‌ی ۳۵-C بود که در طی نشست دوم پارلمان چهارم کانادا در ۲ ژوئن ۲۰۰۹ توسط وزیر سابق امنیت عمومی کانادا پیتر ون لن Peter Van Loan مطرح شد. این لایحه نیز مشابه با تعدادی از لایحه‌ی سناتور ها و اعضای مستقل مجلس عوام کانادا بود که در سال ۲۰۰۵ مطرح شده بود. اما هیچکدام از این لایحه‌ی نتوانستند صورت قانون به خود بگیرند.

برای بررسی لایحه‌ی مسبق به لایحه‌ی ۱۰-C رجوع شود به:

<http://www.parl.gc.ca/LEGISINFO/Home.aspx?ParliamentSession=۴۱-۱>

^۳ Don Martin, "Great, now we can sue bin Laden, we just have to find him," *Ottawa Citizen*, ۳ June ۲۰۰۹, p. A۱۷.





ارائه‌ی مبنای خاصی برای طرح دعوا؛ به جای آن که قربانیان را مجبور کند که به قواعد کلی مسئولیت مدنی یا شبه جرم در هر مورد استناد کنند؛ قانونی آشکارتر و آسانتر به وجود آورد.^۱

به موجب اصلاحاتی که در کمیته‌ی ویژه‌ی عدالت و حقوق بشر مجلس عوام کانادا بر لایحه‌ی C-۱۰ صورت گرفت خوانده می‌تواند بسیار آسان‌تر از استناد به قواعد کلی مربوط به مسئولیت مدنی و یا شبه جرم حقوقی مطرح سازد. یکی از این موارد فرض سببت است (به عنوان مثال مفروض دانستن این که خوانده خسارت را به وجود آورده است) درشرایطی که سایر عوامل فراهم باشد.

همانگونه که در بالا مورد اشاره قرار گرفت، در لایحه‌ی C-۱۰ بیان می‌شود که در صورت اقتضاء دادگاه‌های کانادا می‌توانند این لایحه را به عنوان مبنایی برای استماع دعوا قرار دهند. علاوه بر ضابطه‌ی متداول «ارتباط واقعی و مادی» میان عمل و کانادا که در لایحه پیش بینی شده بود با اصلاحاتی که بر این لایحه صورت گرفت این اجازه داده شد تا در صورتی که خواهان یکی از اتباع یا مقیم دائم کانادا باشد نیز امکان استماع دعوا وجود داشته باشد.

در گذشته در مواردی شاهد طرح دعوا علیه افراد و سازمان‌های غیر دولتی بوده‌ایم. در جولای ۲۰۰۸ بانک لبنان کانادا توسط چهار نفر از اتباع کانادایی اسرائیلی که در جریان درگیری‌های رژیم اشغالگر قدس و حزب الله



^۱ Target: terror cash: Families to ask Ottawa for right to sue terrorist Backers", National Post, ۱۵ april ۲۰۰۵. Available in: http://www.c-catcanada.org/Images/links/National_Post-Front_page_article_formatted.pdf.





در سرزمین‌های اشغالی به سر می‌بردند تحت پیگرد قضائی قرار گرفت. این افراد مدعی بودند که بانک خدمات مالی و بانکی به حزب الله ارائه می‌نموده است. به هر حال بر اساس اسناد دادگاه رسیدگی در ۵ نوامبر ۲۰۰۹ متوقف شده است.^۱

در هر حال به نظر می‌رسد که تاکنون هیچ دعوی حقوقی علیه تروریسم در کانادا به مرحله‌ی رسیدگی نهایی منتهی نشده است. قربانیان اعمال تروریستی دعوی جبران خسارت خود را بر مبنای اشکال متداول صلاحیت دادگاه و با تکیه بر شبه جرم مانند «ضرب و جرح»^۲ و «ایجاد صدمه‌ی عمدی»^۳ مطرح کرده‌اند. در خارج از کانادا نیز در اکثر موارد برای جبران خسارت از این مبانی استفاده شده است برای مثال در ایرلند شمالی سازمان ریپل ایرا^۴ و چند فرد دیگر به واسطه‌ی ضرر و زبانی که افراد و بستگان آن‌ها در حادثه‌ی بمب گذاری اوماق^۵ متحمل شدند، مسئول شناخته شدند. در این



^۱ Stewart Bell, "Lebanese Canadian Bank sued for alleged Hezbollah Connections", National Post, ۷ July ۲۰۰۸; Sean Gordon, "Lebanese Canadian Bank faces lawsuit" *The Toronto Star*, ۸ July ۲۰۰۸; Yefet, Sappir, Shalmoni ۷. *Lebanese Canadian Bank*, Docket No. ۵۰۰-۱۷-۰۴۳۹۶۲-۰۰۸۶.

^۲ Battery

^۳ Intentional infliction of harm

^۴ Real IRA سازمانی شبه نظامی است که در سال ۱۹۹۷ از ارتش موقت جمهوری ایرلند منشعب شده است. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

http://terrorism.about.com/od/groupsleader1/a/Real_IRA.htm

^۵ Omagh





قضیه دادگاه بر اساس قوانین عادی بریتانیا در رابطه با جبران خسارت، حکم به پرداخت ۱,۶ میلیون پوند خسارت به ۱۲ نفر صادر نمود.^۱

تفاوت لوایح قبل از C-۱۰ با این لایحه در خصوص تروریسم این است که لوایح قبلی در پی آن بودند که بر اساس قوانین جاری کانادا و بدون ایجاد مبنای تفصیلی جدید امکان جبران خسارت برای قربانیان تروریسم به وجود بیاورند درحالی که لایحه‌ی C-۱۰ مبنای مستقلی برای طرح دعوای مدنی ایجاد می‌نماید.

یکی از مهم‌ترین انتقاداتی که نسبت به لایحه C-۳۵ مطرح می‌شد این بود که تروریسم را دربر می‌گرفت اما شامل شکنجه، ژنوسید، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت نمی‌شد. زمانی که لایحه C-۳۵ مطرح شد عده‌ای از حقوقدانان و مفسران در مورد آن بیان داشتند که هیچ توجیه و مبنای معقولی وجود ندارد که امکان طرح دعوا علیه تروریسم وجود داشته باشد اما برای اعمال دیگری مانند جنایات جنگی یا جنایت علیه بشریت و... این امکان را در نظر نگیریم.^۲ لایحه‌ای توسط ایریو کولتر^۳ با عنوان لایحه C-۴۸۳ برای اصلاح «قانون مصونیت کشورها» در خصوص جرایم ژنوسید، جرایم علیه



^۱ Breslin and others v. Seamus McKenna and others, [۲۰۰۹] NIQB ۵۰. In: http://www.courtsni.gov.uk/en-GB/Judicial/۲۰/Decisions/PublishedByYear/Documents/۲۰۰۹/۲۰۰۹/۲۰NIQB/۲۰۵۰/j_z_MOR۷۵۳۴Final.htm

^۲ Canadian Center for International Justice, "Justice for One, Justice for All: Victims of Torture Should be Entitled to the Same Justice as Victims of Terrorism," News release, Ottawa, ۲ June ۲۰۰۹.

^۳ Irwin Colter





بشریت، جنایات جنگی و شکنجه در طول نشست دوم پارلمان چهلیم کانادا در ۲۹ نوامبر ۲۰۰۹ ارائه شد این لایحه پیشنهاد می‌کرد که این امکان فراهم شود که بتوان کشورها را به واسطه اقداماتی که عوامل آن‌ها در جهت شکنجه، ژنوسید، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت به گونه‌ای که در قانون کانادا تعریف شده است؛ تحت تعقیب قرار داد.^۱ به واسطه انحلال پارلمان جهت انتخابات عمومی در سال ۲۰۱۱ این لایحه هیچگاه به صورت قانون در نیامد. در این خصوص باید توجه داشت که مهم‌ترین تفاوت لوایحی که پیش از لایحه C-۱۰ مطرح شده است با این لایحه این است که مبنای اصلی طرح و تدوین این لوایح بیشتر مقابله و طرح مسئله‌ی شکنجه و نقض ضوابط حقوق بشری اتباع کانادا توسط کشورهای خارجی بوده است اما این مسئله در لایحه C-۱۰ اصلاً مورد توجه قرار نگرفته است و این اقدام این سوال را به وجود می‌آورد که چرا در خصوص مسائلی مانند شکنجه و نقض حقوق بشر اتباع کانادا که همواره از سوی دولت و قانونگذاران کانادا به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی کانادا محسوب شده و نقض قواعد آمره بین‌المللی (Jus Cogens) تلقی می‌شود قانونگذاری صورت نگرفته است اما مسئله‌ی تروریسم و خسارات ناشی از آن با این وسعت مد نظر قرار گرفته است^۲ به

^۱ <http://www.parl.gc.ca/LegisInfo/BillDetails.aspx?billId=۴۳۲۸۵۲۹&Language=E&Mode=۱>

^۲ Joanna Harrington, " If not torture, then how about terrorism – Canada amends its State Immunity Act", Available in: <http://www.ejiltalk.org/if-not-torture-then-how-about-terrorism-canada-amends-its-state-immunity-act/>





گونه‌ای که سبب شده تا قانون مصونیت کشور و سایر قوانین کانادایی مورد اصلاحات وسیعی قرار گیرد. اگر به رویه‌ی دیگر دولت‌ها دقت کنیم خواهیم دید که شکنجه و نقض قواعد حقوق بشر گاه به عنوان مبنایی برای طرح دعوا علیه کشورهای خارجی در نظر گرفته شده است برای مثال ایالات متحده قانونی را به تصویب رسانده است که به موجب آن مصونیت قضایی کشورها به واسطه‌ی «عمل شکنجه، قتل فراقضایی، خرابکاری در هواپیما، گروگانگیری، یا تمهید حمایت مادی یا منابع» سلب می‌شود؛ که هم شامل اعمال تروریستی است و هم شکنجه را در بر می‌گیرد.^۱ در لایحه‌ای که به تازگی توسط نمایندگان مستقل به مجلس اعیان بریتانیا ارائه شده است بدون این که به تروریسم اشاره‌ای شده باشد تنها شکنجه مد نظر قرار گرفته است.^۲ در رویه قضایی بعضی از کشورهای اروپایی مانند ایتالیا نیز شاهد این هستیم که به واسطه‌ی جرم شکنجه، مصونیت کشورها سلب شده و به این واسطه امکان طرح دعوا علیه آلمان به واسطه‌ی اعمالی که در طول جنگ جهانی دوم مرتکب شده بود فراهم آمد.^۳ بر این اساس، در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۸، آلمان دعوایی علیه ایتالیا در دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه نمود، با این ادعا که ایتالیا با صدور احکام قضایی به تعهدات خود در مقابل آلمان پشت پا زده و



^۱ United States, "Terrorism Exception to the jurisdictional immunity of a foreign stat," Foreign State Immunity Act, ۲۸ U.S.C. ۱۶۰۵A(a)(۱) Available in: <http://www.law.cornell.edu/uscode/text/۲۸/۱۶۰۵A>

^۲ See: www.parliament.uk, Torture (Damages) Bill [HL] ۲۰۱۰-۱۱

^۳ Canadian Center For International Justice, "Canada's State Immunity Act," Backgrounder ۲ June ۲۰۰۹.





همچنان در تخلف خود ایستادگی می‌کند^۱ دیوان با پذیرش ادعای آلمان اعلام نمود؛ نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه از جمله شکنجه نمی‌تواند استثنایی بر مصونیت دولت به شمار آید.^۲

اگر دقیق‌تر بنگریم سلسله قضایی که از سال ۲۰۰۰ به بعد در محاکم کانادا شکل می‌گیرد مانند قضیه زهرا کاظمی، هوشنگ بوذری قضیه هارال علیه سوریه در سال ۲۰۰۵ و.. که در آن‌ها محاکم کانادایی با یک سلسله موارد نقض‌های قواعد آمرهای حقوق بشر و بشردوستانه که در خارج از کانادا اتفاق می‌افتد روبرو می‌شوند و در همه‌ی این موارد محاکم کانادا با استناد به قوانین موجود در این کشور به ویژه قانون «مصونیت دولت» مصوب سال ۱۹۸۵ چون شبه جرم در خارج از قلمرو کانادا اتفاق افتاده است^۳ کشور خارجی را مصون دانستند به نحوی که این آرا مورد انتقاد شدید افکار عمومی داخلی کانادا قرار گرفت و حتی واکنش‌های بین‌المللی نیز را نیز در پی داشت تا آنجا که کمیته‌ی شکنجه سازمان ملل در رسیدگی به گزارش سالانه کانادا به سال ۲۰۰۵، نگرانی خود را در قبال موضع کانادا برای تامین جبران خسارت مدنی در رسیدگی به نقض‌های وارده به همه قربانیان شکنجه چه در داخل این کشور و یا خارج از آن اعلام نمود و به این کشور توصیه نمود برای کلیه



^۱ International Court Of justice, " Germany institutes proceedings against Italy for failing to respect its jurisdictional immunity as a sovereign State," News release, The Hague, ۲۳ December ۲۰۰۸.

^۲ در قسمت نتیجه‌گیری به توضیح این موضوع پرداخته خواهد شد.

^۳ محسن عبدالهی، «تروریسم به مثابه استثنای در حال ظهور مصونیت دولت: قانون جدید کانادا»، سخنرانی در همایش بین‌المللی مصونیت در حقوق بین‌الملل که ۲۹ و ۳۰ آذر ماه ۱۳۹۱





قربانیان شکنجه مطابق با ماده ۱۴ کنوانسیون، وسیله جبران خسارت مدنی مناسب فراهم نمایند.^۱

همانطور که گفته شد قبل از تصویب این قانون در سال ۲۰۱۲، گفتمان غالب کانادا فقدان مصونیت دولت برای نقض قواعد آمره‌ی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است و بحث تروریسم اصلاً مطرح نیست اما رای ۲۰۱۲ دیوان بین‌المللی دادگستری باعث چرخش کامل در این گفتمان قانونگذاری می‌شود و نهایتاً حقوقدانان کانادایی و پارلمان این کشور تصمیم می‌گیرند که از دکترین سلسله مراتب هنجاری و بحث قاعده‌ی آمره و این که در جنایات بین‌المللی یک دولت نمی‌تواند مصونیت داشته باشد دست کشیده و به بحث تروریسم بین‌المللی که فکر می‌کنند می‌تواند سیستم جدیدی را در عرصه‌ی بین‌المللی به مصونیت دولت وارد کند و مقبولیت بیشتری دارد متمایل شوند. در هر صورت لایحه‌ی C-۱۰ به شکل کنونی مورد تصویب پارلمان کانادا قرار گرفت و لازم به نظر می‌رسد که حداقل قسمت‌هایی از آن که سبب ساز سلب مصونیت از کشور خارجی در کانادا می‌شود از نظر محتوایی مورد بررسی قرار گیرد.



^۱ اعظم امینی، « مفهوم مصونیت قضایی دولت‌ها و استثناء نقض حقوق بشر»، نامه مفید، شهریور ۱۳۸۹، شماره ۷۹، ص ۱۱۹.





شرح و تحلیل قسمت اول لایحه C-۱۰ (قانون حمایت از قربانیان تروریسم)

قسمت اول لایحه C-۱۰ مبنایی برای طرح دعوی ایجاد می‌کند که به قربانیان تروریسم اجازه می‌دهد تا افراد، سازمان‌ها و نهادهای تروریستی^۱ را به واسطه‌ی ضرر و زیانی که به واسطه‌ی ارتکاب اعمالی متحمل شده‌اند که توسط این افراد و گروه‌ها انجام گرفته و به موجب بند ۱ بخش دوم قانون مجازات کانادا قابل مجازات می‌باشند^۲؛ تحت تعقیب قرار دهند. علاوه بر این در این لایحه پیش بینی شده است که قربانیان تروریسم بتوانند در شرایطی خاص؛ کشورهای خارجی حامی نهادهای تروریستی که چنین اعمالی را انجام می‌دهد؛ را تحت تعقیب قرار دهند. ضرر و زیان قربانی تروریسم می‌تواند داخل یا خارج از کانادا روی داده باشد اما در هر صورت باید بعد از اول ژانویه ۱۹۸۵ به وقوع پیوسته باشد. اگر ضرر و زیان خارج از کانادا روی داده باشد باید دارای ارتباط «واقعی و مادی»^۳ با کشور کانادا باشد. به واسطه‌ی اصلاحیه‌ای که توسط کمیته‌ی ویژه‌ی «عدالت و حقوق بشر» مجلس عوام کانادا بر لایحه‌ی C-۱۰ وارد شد این امکان فراهم آمد تا همانگونه که در سیستم کامن‌لا مطرح است، حتی بدون احراز «ارتباط واقعی و مادی» هنگامی که خوانده تبعه‌ی کانادا یا مقیم دائم کانادا باشد امکان طرح دعوا بر اساس این

^۱ Terrorist Entities

^۲ این بخش از قانون جزای کانادا مربوط به جرایم تروریستی می‌باشد. *Criminal Code*, R.S.C. ۱۹۸۵, c. C-۴۶.

^۳ Real and Substantial





لایحه برای او وجود داشته باشد. بنابراین بر اساس شکل کنونی قانون «خیابان‌ها و جوامع امن» امکان طرح دعوای ضرر و زیان برای قربانیان وقایع تروریستی که: ۱. آن رویداد دارای ارتباط «واقعی یا مادی» با کانادا باشد یا ۲. خوانده تبعه یا مقیم دائم کانادا باشد؛ وجود دارد.^۱

قاعده‌ی کلی مصونیت کشورها مانع از این می‌شود که کشورها در دادگاه‌های داخلی کانادا تحت تعقیب قرار گیرند. با این حال استثنای جدید تنها زمانی می‌تواند برای سلب مصونیت از یک کشور به کار گرفته شود که کشور مورد بحث بر اساس دلایل معقولی مبنی بر این که آن کشور از تروریسم حمایت می‌کرده یا در حال حمایت از فعالیت‌های تروریستی است در لیستی که توسط کابینه‌ی کانادا تهیه می‌شود قرار گرفته باشد.^۲

قسمت اول لایحه C-۱۰ دارای نه بند است که بند ۲ این لایحه «قانون حمایت از قربانیان تروریسم» تشکیل داده و بند ۳ تا ۹ به اصلاح «قانون مصونیت کشور»^۳ می‌پردازد.



^۱ Robert Everett, "What Bill C-۱۹ could mean for Canada's native people", The Globe and Mail, York University Library, available in: <http://www.theglobeandmail.com/news/politics/law-and-disorder-what-bill-c-۱۰-could-mean-for-canadas-native-people/article۵۴۸۰۷۸/?page=all>

^۲ <http://www.ejiltalk.org/author/rprovost/>

^۳ State Immunity Act, R.S.C. ۱۹۸۵, c. S-۱۸.





شرح و تحلیل بند سوم تا نهم لایحه ۱۰-C: اصلاح «قانون مصونیت

کشور» کانادا

بخش‌های ۳ تا ۹ لایحه ۱۰-C با اصلاح قانون مصونیت کشورها استثنای دیگر به قاعده‌ی کلی مصونیت کشورها از صلاحیت دادگاه‌های داخلی که در بند ۱ قسمت ۳ این قانون بیان می‌شود اشاره می‌کند. این اصلاحات باید صورت می‌گرفت تا امکان اجرای بند ۱ قسمت ۴ قانون حمایت از قربانیان تروریسم فراهم شود. بخش سوم لایحه ۱۰-C یک اصلاحیه‌ی کارکردی است در واقع عناوین، تعاریف و تفاسیر جدیدی را به قسمت دوم قانون مصونیت کشور اضافه می‌کند.

بخش ۴ لایحه ۱۰-C قسمت ۲,۱ را به قانون مصونیت کشور اضافه می‌کند. قسمت ۲,۱ بیان می‌دارد که دولت خارجی در صورتی حامی تروریسم قلمداد خواهد شد که مرتکب عملی شود که در بند (ب) قسمت ۴,۱ قانون حمایت از قربانیان تروریسم بیان شده است. به عبارت دیگر دولت‌های خارجی تنها زمانی حامی تروریسم قلمداد می‌شوند و می‌توان آن‌ها را تحت پیگرد قرار داد که در هدایت و رهبری فعالیت‌های مذکور در بندهای ۲,۰۲ تا ۸۳,۰۴، ۱۸، ۸۳ تا ۲۳,۸۳ قانون جزای کانادا مشارکت داشته باشند.

بخش ۵ لایحه ۱۰-C قسمت ۶,۱ را به قانون مصونیت کشور اضافه می‌کند. قسمت ۶,۱ بیان می‌دارد که برای این که بتوان کشوری را به عنوان حامی تروریسم قلمداد نمود عملی که آن کشور برای حمایت از تروریسم انجام داده است باید از تاریخ ۱ ژانویه ۱۹۸۵ و یا بعد از آن به وقوع پیوسته باشد. تاریخ ذکر شده همان تاریخی است که در بند ۱ قسمت ۴ قانون حمایت از قربانیان تروریسم در نظر گرفته شده است. همانگونه که بیان شد انتخاب





این تاریخ به این دلیل بوده است که به خانواده‌های قربانیان بمب گذاری هوایم‌ای ایندی‌ا نیز امکان جبران خسارت داده شود. علاوه بر این پیش از این که دولتی با توسل به بند ۱ قسمت ۴ قانون حمایت از قربانیان تروریسم تحت پیگرد قرار گیرد، دولت خارجی باید در لیست کابینه قرار گرفته باشد.

کمیته‌ی ویژه‌ی مبارزه با تروریسم سنای کانادا در گزارشی که در خصوص لایحه‌ی S-7 ارائه کرد این پیشنهاد را مطرح کرد که در لیست قرار گرفتن یک کشور از طریق تصویب قانون صورت گیرد تا این اقدام مقبولیت حقوقی و قابلیت پذیرش بیشتری داشته باشد. این کمیته علاوه بر این پیشنهاد داده بود که مذاکره‌ی عمومی^۱ نیز بخشی از فرایند در لیست قرار دادن کشور خارجی باشد. در شور سوم لایحه S-7 سنا با اصلاح قسمت ۶,۱ قانون مصونیت کشور با اضافه کردن عبارت « در هر زمان»^۲ به نوعی مصلحت‌اندیشی دست زده است. سنا علاوه بر این در اصلاح قانون مصونیت دولت کانادا را مکلف کرد که ۶ ماه پس از لازم الاجرا شدن این اصلاحات لیستی از کشورهای حامی تروریست تهیه کند.^۳

وزیر امور خارجه ملزم است که هر دو سال یک بار لیستی که کشورها در آن قرار می‌گیرند را با مشورت وزیر امنیت عمومی مورد بازبینی قرار داده و پیشنهاد خود را مبنی بر ابقاء کشور مذکور در لیست یا خروج آن کشور از



^۱ Public Consultant

^۲ at any time

^۳ Enactment of the Justice For Victims of Terrorism Act and Amendments to the State Immunity Act
[Bill C-10, Part 1, Clauses 2-9 (Formerly Bill S-7)]





لیست مذکور را به کابینه اعلام دارد. (قسمت جدید ۶,۱).^۱ کشور خارجی تا زمانی که تصمیم‌گیری در خصوص لیست به اتمام نرسیده است نمی‌تواند لیست را مورد اعتراض قرار دهد. با این حال کشورهای مذکور در لیست می‌توانند از به محض وارد شدن در این لیست از وزارت خارجه‌ی کانادا تقاضای خروج آن‌ها از لیست را بنمایند. در این حالت وزیر خارجه‌ی کانادا باید پس از مشورت با وزیر امنیت عمومی کانادا در خصوص این که آیا زمینه‌های قابل قبولی برای این اقدام وجود دارد تصمیم‌گیری کرده و پیشنهاد خود را به کابینه ارائه کند. (قسمت جدید ۶,۱(۴))

در شور سوم بررسی لایحه‌ی S-۷ قسمت ۶,۱(۱۰) به آن اضافه گردید که بر اساس آن در صورتی که رسیدگی آغاز شده باشد خواننده اجازه خواهد داشت که حتی در صورتی که نام کشور از لیست خارج شود جریان دعوا و رسیدگی قضایی را پیگیری نماید.^۲ این اصلاحیه نیز در لایحه‌ی C-۱۰ وارد شده است.

مهمترین تفاوتی که میان فرایند پیش بینی شده در قسمت ۶,۱(۲) تا ۶,۱(۱۰) قانون مصونیت برای وارد کردن نام کشورها در لیست با فرایندی که

^۱ وزیر خارجه باید در اسرع وقت این بازنگری را به اتمام برساند که این مدت نباید بیش از ۱۲۰ روز از آغاز زمان بازنگری بوده و به محض اتمام این بازنگری باید در این خصوص اعلامیه‌ای در روزنامه رسمی کانادا به چاپ برسد. (قسمت جدید ۶,۱(۹))

^۲ The Special Senate Committee on Anti-terrorism, Security, "Freedom and the Complex Terrorist Threat: Positive Steps Ahead", March ۲۳, ۲۰۱۱, Available in: <http://www.parl.gc.ca/Content/SEN/Committee/۴۰۳/anti/rep/rep۰۳mar۱۱-e.htm>





در قسمت ۸۳,۰۵ تا ۸۳,۰۷ قانون جزا برای لیست کردن یک موجودیت^۱ وجود دارد این است که قانون مصونیت کانادا صراحتاً به کشور خارجی این حق قانونی را اعطا نمی‌کند که درخواستی مبنی بر بررسی قضایی تصمیم وزیر در خصوص پیشنهاد وارد کردن نام کشور مذکور در لیست یا تصمیم کابینه کانادا در خصوص ابقاء نام آن کشور در این لیست؛ مطرح نماید. در قسمت (۵) ۸۳,۰۵ قانون جزا صراحتاً بر حق موجودیت تروریستی در این خصوص تصریح شده است.

بخش ۶ لایحه‌ی ۱۰-C قسمت (۳) ۱۱ قانون مصونیت کشور را نسخ کرده و آن را با قسمت (۳) ۱۱ جدید جایگزین می‌کند. قسمت (۱) ۱۱ قانون مصونیت نوع خواسته را محدود ساخته و تنها خواسته‌هایی را قابل طرح می‌داند که امکان طرح آن‌ها علیه یک کشور خارجی وجود داشت. قسمت (۳) ۱۱ قانون مصونیت اعمال قسمت (۱) ۱۱ را در خصوص موسسات و سازمان‌های متعلق به کشور خارجی قابل اعمال نمی‌داند به این معنی که کلیه‌ی اشکال معمول خواسته برای خواهان هنگام طرح دعوا علیه سازمان یا نهاد دولت خارجی در دسترس بود اما اگر دعوا علیه خود کشور مطرح می‌شد خواهان در این خصوص با محدودیت مواجه بود. قسمت (۳) ۱۱ جدید قانون مصونیت از یک سو تمام انواع خواسته را در طرح دعوا علیه موسسات و سازمان‌های متعلق به خارجی در اختیار خواهان قرار می‌دهد و در صورتی که دعوا در خصوص حمایت از تروریسم باشد خواهان را از این امتیاز برخوردار می‌داند که هر نوع خواسته‌ای را علیه خود کشور خارجی نیز مطرح سازد.

^۱ entity





توقیف، ضبط، حبس و مصادره اموال کشور خارجی در کانادا

بخش ۷ و ۸ لایحه ۱۰-C قانون مصونیت کشور را مورد اصلاح قرار می‌دهد تا این امکان فراهم شود تا در شرایط خاص اموال کشور خارجی که در کانادا واقع است توقیف، ضبط، حبس یا مصادره گردد. بخش ۷ لایحه قسمت (b) ۱۲(۱) قانون مصونیت را مورد اصلاح قرار می‌دهد تا این امکان فراهم شود که اموالی با شرایط زیر توقیف، اجرا، ضبط، حبس یا مصادره شود:

۱. اموالی که متعلق به کشور خارجی که در لیستی که بر اساس قسمت

۶،۱(۲) این قانون توسط کابینه‌ی کانادا تهیه می‌شود، قرار دارد؛

۲. اموالی که برای حمایت از تروریسم مورد استفاده قرار می‌گیرد یا برای

حمایت از تروریسم اختصاص داده شده است؛ و

۳. در کانادا واقع شده‌اند.

بخش ۸ لایحه‌ی ۱۰-C قسمت جدیدی را به قانون مصونیت کشور کانادا می‌افزاید به نام ۱۲،۱. قسمت (۱) ۱۲،۱ بیان می‌دارد در صورتی که حکمی علیه کشور خارجی حامی تروریسم صادر شود، وزیر امور خارجه و وزیر اقتصاد در چارچوب اختیاراتشان برای شناسایی و یافتن اموال کشور خارجی در کانادا جهت اجرای حکم مساعدت خواهد نمود. وزیر اقتصاد در یافتن مکانی که اموال کشور خارجی واقع شده است و شناسایی دارایی‌های مالی کشور خارجی که در قلمرو صلاحیتی کانادا قرار دارد مساعدت اقدام می‌نماید و وزیر امور خارجه در یافتن مکان املاک کشور خارجی در کانادا اقدام خواهد نمود. البته اگر این که این باور وجود داشته باشد که اقدامات وزیر امور خارجه‌ی کانادا در این رابطه به روابط خارجی کانادا صدمه خواهد





زد یا وزیر اقتصاد معتقد باشد که اقدام مورد نظر به منافع کانادا لطمه وارد خواهد ساخت می‌تواند از این همکاری سرباز زند زیرا در هر صورت این همکاری نباید به منافع کانادا لطمه وارد خواهد سازد (قسمت (۱) ۱۲،۱ جدید قانون مصونیت کشور)

کمیته‌ی ویژه‌ی ضد تروریست سنا در گزارش خود در خصوص لایحه‌ی ۷-۵ بیان داشت که ادبیات الزام آورتری باید برای الزام دولت جهت همکاری با قربانیان مورد استفاده قرار گیرد و بیان داشت که صندوقی جهت کسانی که در دادگاه ذی‌حق شناخته شده‌اند اما موفق به دریافت خسارات خود نمی‌شوند ایجاد گردد^۱ اما این پیشنهاد در لایحه‌ی ۱۰-C هیچ انعکاسی نداشته است.

علاوه بر سایر اصلاحاتی که لایحه‌ی ۱۰-C بر قانون مصونیت کشور وارد می‌کند، بخش ۹ این لایحه با اصلاح قسمت (۲) ۱۳ قانون مصونیت کشور این امکان را برای دادگاه‌های کانادایی فراهم می‌آورد که جرمه یا مجازات‌هایی را بر علیه کشورهای مذکور در لیست وضع نمایند اگر این کشورها از ارائه‌ی اسناد یا اطلاعات راجع به اتهاماتی که علیه آن‌ها در خصوص حمایت از تروریسم مطرح است قصور یا امتناع کنند.



^۱ The Special Senate Committee on Anti-terrorism, " Security, Freedom and the Complex Terrorist Threat: Positive Steps Ahead". Op cit.





مقایسه "قانون مبارزه با تروریسم و مجازات اعدام موثر" آمریکا با "قانون حمایت از قربانیان تروریسم" کانادا

تا پیش از تصویب لایحه ۱۰-C در پارلمان کانادا در سال ۲۰۱۲، ایالات متحده تنها کشوری بود که با تصویب قانون داخلی مبنایی سلب مصونیت از کشور خارجی جهت نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل می‌پرداخت. همان طور که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه‌ی آلمان علیه ایتالیا مد نظر قرار می‌دهد^۱ «دیوان ملاحظه می‌کند که قانون آمریکایی هیچگاه با استقبال سایر کشورها روبرو نبوده است و هیچ یک از کشورهایی که در مورد مصونیت کشور خارجی به وضع قانون پرداخته‌اند محدودیتی در خصوص مصونیت بر مبنای ارزش قواعدی که در این پرونده مدنظر است وضع ننموده‌اند».

ایالات متحده با تصویب «قانون ضد تروریسم و مجازات اعدام موثر»^۲ در سال ۱۹۹۶ «قانون مصونیت حکام خارجی»^۳ این کشور را اصلاح نموده و استثنایی مشابه با مقررات پیشنهادی در قسمت اول لایحه ۱۰-C کانادا پیش‌بینی کرده است. در این قانون که بیش از یک دهه فرصت اجرا شدن پیدا کرده است نیز تنها کشورهای مذکور در لیست امکان تحت تعقیب قرار گرفتن

^۱ Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), Judgment of ۳ February ۲۰۱۲. supra note ۱, para. ۸۸.

^۲ Anti- Terrorism and Effective Death Penalty Act Of ۱۹۹۶(AEDPA)

^۳ Foreign Sovereign Immunities Act ۱۹۷۶ (FSIA)





دارند و در لیست حاضر تنها کشورهای کوبا، ایران، سوریه و سودان قرار دارند^۱ و^۲

مشکلی که بخش تحقیقات کنگره‌ی آمریکا در خصوص اجرای این قانون بیان کرده است، به رسمیت شناخته نشدن آرای صادره به موجب این قانون توسط کشورهایی که در مقام خوانده‌ی این دعاوی قرار گرفته‌اند می‌باشد. غیبت کشورهایی که در مقام خوانده قرار گرفته‌اند در دادگاه سبب شده است تا دعاوی به صورت غیابی ادامه یافته و آرای غیابی صادر شده و کشورهای که مسئول پرداخت غرامت شناخته شده‌اند از پرداخت آن خودداری نمایند^۳. دریافت غرامت بزرگ‌ترین مشکل پیش روی اجرای این قانون در ایالات متحده بوده است از سویی اموال محدودی، از کشورهای خارجی مذکور در لیست در ایالات متحده وجود دارد و از سوی دیگر قوه مجریه در مقابل استفاده از این اموال در این جهت خودداری می‌کند. هر اندازه که کنگره در جهت ایجاد فرصت‌هایی برای دریافت غرامت و اجرایی شدن احکامی که در این خصوص صادر شده است اقدام کرده است به همان اندازه



^۱ U.S. Department of State, State Sponsors of Terrorism, Available in: <http://www.state.gov/s/ct/c14151.htm>

^۲ کره‌ی شمالی، عراق و لیبی نیز از ابتدا در این لیست قرار داشتند اما در حال حاضر از لیست خارج شده‌اند.

^۳ Jennifer K. Elsea, CRS Report for Congress: **Suits Against Terrorist States by Victims of Terrorism**, Order Code RL31258, Congressional Research Service, Washington, D.C., ۸ August ۲۰۰۸, pp. ۳۲-۴۴. Available in: www.fas.org/sgp/crs/terror/RL31258.pdf





نیز قوه مجریه در مقابل راهکارهای کنگره از خود مقاومت نشان داده و مواردی مانند تلاش برای اقدام متقابل، از دست دادن کنترل بر دولت‌های هدف و احتمال نقض حقوق بین‌الملل مرتبط با مصونیت کشورها را مورد استناد قرار داده است. برای مثال با این که بیانیه الجزیره ۱۹۸۱ که موجب آزادسازی کارکنان سفارت آمریکا در ایران شد، مانع از طرح دعوای مدنی توسط گروگان‌ها می‌شود اما با این حال حتی در این مورد نیز سنای آمریکا به دنبال این بود که از طریق پیشنهاد قوانین مختلف مبنایی برای طرح دعوا برای گروگان‌ها ایجاد شود. در هر حال این اقدامات با مقاومت قوه مجریه ایالات متحده روبرو بوده و همواره توسط این قوا بر آثار بین‌المللی که چنین اقداماتی برای ایالات متحده در پی خواهد داشت، تاکید شده است.^۱ به همین صورت، تغییر شرایط عراق وضعیت را برای قوهی مجریه‌ی ایالات متحده برای دفاع از موضع خود بسیار دشوارتر ساخت. زیرا با این که عراق در زمان صدام حسین جزو کشورهای مذکور در لیست قرار گرفت و امکان طرح دعوا علیه آن وجود داشت و بعضی از این دعوای نیز منجر به صدور حکم گردیده و خواهان‌های این دعوای خواستار دریافت خسارات خود از طریق مصادره‌ی اموال دولت عراق بودند. بعد از اشغال عراق دولت آمریکا دیگر تمایلی به این که اموال دولت عراق مصادره گردد از خود نشان نداده و بیان شد که این اموال باید به نفع مردم عراق و برای بازسازی این کشور باید مورد استفاده قرار گیرند. عراق به طور عطف بماسبق شونده‌ای از لیست مذکور خارج شد

^۱ Ibid., pp. ۳۲ ۴۴.





و خواهان‌هایی که دادگاه به نفع آن‌ها رای صادر کرده بود امکان دریافت خسارت را از دست دادند.^۱ این موضوع در کانادا نیز تکرار خواهد شد زیرا به واسطه‌ی محدود بودن اموال قابل مصادره‌ای که در کانادا وجود دارد میان کسانی که در دادگاه‌های کانادایی به عنوان قربانی تروریسم شناخته خواهند شد رقابتی بر سر به دست آوردن این اموال به وجود خواهد آمد که این عامل، خود مشکلاتی را برای کانادا در پی خواهد داشت.

قانون کانادایی «حمایت از قربانیان تروریسم» بسیار موسع‌تر از نسخه‌ی قدیمی‌تر آمریکایی آن به نظر می‌رسد. قانون آمریکا مصونیت دولت خارجی حامی تروریسم را برای چهار مورد شکنجه، قتل فراقضایی، گروگانگیری و خرابکاری در هواپیما سلب می‌کند اما قانون کانادایی از نظر سلب مصونیت از کشور خارجی بسیار موسع‌تر است زیرا اساساً مصونیت دولت خارجی را هم برای ارتکاب جرایم تروریستی بین‌المللی بدون این که به مکان خاصی محدود باشد هم برای حمایت از این جرایم آن هم در معنای قانون کیفری کانادا زائل می‌کند. همانطور که با رجوع به قانون جزای کانادا دیده شد یکی از گسترده‌ترین تعاریفی که از تروریسم ارائه شده است را می‌توانیم در این قانون شاهد باشیم. این در حالی است که از تروریسم در حقوق بین‌الملل تعریفی جامع و مانع به رسمیت شناخته نشده است.

قانون «حمایت از قربانیان تروریسم» همانند نسخه‌ی آمریکایی آن از ضوابط و قابلیت انتساب داخلی برای رسیدگی به مسئله‌ای که در صلاحیت رسیدگی در یک محکمه‌ی بین‌المللی است استفاده می‌کند که بر این اساس

^۱ Ibid., pp. ۲۷-۳۲.





باید منتظر صدور احکام بسیار زیادی علیه دولت‌هایی که در لیست دولت‌های حامی تروریسم کانادا قرار می‌گیرند باشیم.^۱ با این حال، هرچند در قانون امریکایی امکان اعمال فراسرزمینی قانون مورد بحث پیش‌بینی شده است اما این قانون تنها به اتباع آمریکا و در اصلاحیه سال ۲۰۰۸ به افرادی که با دولت آمریکا دارای قرارداد استخدامی هستند از جمله نظامیان و غیر نظامیان^۲ امکان طرح دعوا می‌دهد.^۳ اما از نظر قانون کانادایی صلاحیت شخصی خواهان گسترده‌تر می‌شود و خواهان دعوا نه تنها می‌تواند شهروند کانادا، مقیم دائم کانادا باشد بلکه در دیگر دعاوی که ممکن است خواهان هیچ یک از این موارد نباشد اما دعوا به نحوی با کانادا دارای ارتباط واقعی باشد،^۴ نیز امکان طرح دعوا پیش‌بینی شده است.



^۱ Riccardo Pavoni, "An American Anomaly? On the ICJ's Selective Reading of United States Practice in Jurisdictional Immunities of the State", Italian Yearbook of International Law, Volume XXI (۲۰۱۱), pp. ۱۴۳-۱۵۹, Martinus Nijhoff, ۲۰۱۲, Available in: www.sidi-isil.org/wp.../۰۵/Pavoni_an-american-anomaly.pdf

^۲ US armed forces, US employees, or US contractors

^۳ Defense Federal Acquisition Regulation Supplement, "DEFENSE CONTRACTORS OUTSIDE THE UNITED STATES", Revised June ۲۳, ۲۰۱۱, Available in: www.acq.osd.mil/dpap/dars/dfars/pdf.../۲۲۵_۷۴.pdf

^۴ See the blog posts by Harrington, EJIL: Talk!, ۲۸ March ۲۰۱۲, available in: www.ejiltalk.org/if-not-torture-then-how-about-terrorism-canada-amends-its-state-immunity-act





مشروعیت قانون کانادا از منظر حقوق بین‌الملل

از نظر حقوق بین‌الملل عرفی با توجه به رای‌ی که دیوان در قضیه‌ی آلمان علیه ایتالیا در سال ۲۰۱۲ صادر کرده است و رویه‌ی قضایی که محاکم ملی در مورد شبه جرم‌ها اعمال می‌کنند تا جایی که قانون کانادایی مربوط به سلب مصونیت از دولت حامی تروریسم برای اقدامات فراسرزمینی می‌باشد نقض حقوق عرفی محسوب می‌شود در واقع این تجاوز از شرط استثنای شبه جرم‌های دولت است.^۱

در مورد حقوق معاهداتی هم کنوانسیون اروپایی ۱۹۷۲ و هم کنوانسیون ۲۰۰۴ مصونیت دولت را در صورتی برای شبه جرم‌ها کنار می‌گذارند که شبه جرم یا بخشی از آن در سرزمین محل دادگاه اتفاق افتاده باشد و مرتکب در آن سرزمین حاضر باشد بنابراین این هم از نظر حقوق عرفی و هم از نظر حقوق معاهداتی، قانون کانادا محلی ندارد.^۲

در خصوص رویه‌ی ایالات متحده و کانادا در این خصوص باید گفت که برخلاف رویه صادفانه محاکم ایتالیایی، این دو قانون ریاکارانه هستند و بیشتر به دنبال حمایت از اتباع آمریکا و کانادا هستند تا این که بخواهند واقعا از قربانیان تروریسم در عرصه‌ی بین‌المللی حمایت کنند.^۳ بسیاری از افرادی



^۱ برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: محسن عبدالهی، حسین خلف رضایی، «معادله تعارض اصل مصونیت دولت با قواعد آمره حقوق بشر»، مجله نامه مفید، شهریور ۱۳۸۹، شماره ۷۹.

^۲ محسن عبدالهی، «تروریسم به مثابه استثنای در حال ظهور مصونیت دولت: قانون جدید کانادا»، همان.

^۳ در اظهارنظرهای دولتی کانادا پیرامون تصویب «قانون حمایت از قربانیان تروریسم»، مکررا به دو موضوع شکایت آقای هوشنگ بوذری و همچنین خانواده زهرا کاظمی به طرفیت دولت ایران اشاره شده





که در مورد لایحه‌ی C-۳۵^۱ ابراز نظر کرده‌اند بیان داشته‌اند این لایحه چالش‌های دیپلماتیک بسیاری را برای کانادا ایجاد خواهد نمود. که این موضوع در مورد قسمت اول لایحه C-۱۰ یعنی «قانون حمایت از قربانیان تروریسم» و اصلاحاتی که بر «قانونی مصونیت کشور» کانادا وارد شده است، نیز صادق خواهد بود. در لیست قرار دادن کشورها نگرانی‌ها و چالش‌هایی مانند اقدام متقابل را به وجود خواهد آورد که روابط دیپلماتیک کانادا را با مشکل مواجه خواهد ساخت. برای مثال افغانستان و پاکستان محل پرورش تروریست‌های بین‌المللی است اما در لیست کشورهای تروریستی قرار دادن این کشورها از نظر دیپلماتیک برای کانادا مشکل ساز خواهد بود زیرا همواره سیاست این کشورها هم سو با سیاسی‌ات‌های دولت کانادا تلقی شده است.^۲ علاوه بر این موضوع، در خصوص نگرانی از اقدام متقابل تجربه‌ی ایالات



است چنانکه گویی یکی از خاستگاه‌های اصلی تصویب این قانون، راهگشایی برای پیگیری مجدد شکایات مذکور است. رجوع شود به: جمال خندان کوچکی، «پیدا و پنهان اقدام کانادا»، روزنامه شرق، شماره ۱۶۲۷، ۱۳۹۱/۶/۲۶، ص ۳.

^۱ لایحه‌ای که مبنای ایجاد قسمت اول لایحه C-۱۰ یعنی «قانون حمایت از قربانیان تروریسم» کانادا قرار گرفت.

^۲ Prasanna Ranganathan, "Survivors of Torture, Victims of Law: Reforming State Immunity in Canada by Developing Exceptions for Terrorism and Torture," Saskatchewan Law Review, Vol. ۷۱, ۲۰۰۸, pp. ۳۲۳-

۳۸۹





متحده نشان داد که اقدامات مشابهی در کوبا و ایران در پاسخ به اقدامات این کشور انجام گرفته است.^۱

همانطور که دیده شد فرایند قرار دادن کشور خارجی در لیست مذکور در لایحه‌ی ۱۰-C و سلب مصونیت از کشور خارجی کاملاً سیاسی است به نحوی که حتی در مذاکراتی که در خصوص این قانون صورت گرفته است این موضوع مورد اشاره قرار گرفته است برای مثال در لایحه‌ای که توسط سناتورها و اعضای مستقل مجلس عوام کانادا تهیه شده بود؛ پیشنهاد نمی‌شد که توسط دولت کانادا لیستی از کشورها تهیه شده و از آنها سلب مصونیت گردد یا در لایحه‌ای که توسط اروین کاتلر^۲ مطرح و لایحه‌ی ۴۰۸-C نام گرفت و دو روز بعد از ارائه‌ی لایحه‌ی ۳۵-C در پارلمان طرح شد پیشنهاد می‌شد که لیست کشورهای حامی تروریسم حذف شده و امکان تحت تعقیب قرار گرفتن هر کشوری که با کانادا معاهده‌ی استرداد ندارد؛ فراهم شود.^۳ باید توجه داشت که منوط نمودن یک مسئله‌ی قضایی و رسیدگی به عدالت قضایی به تصمیم سیاسی به شدت از اهمیت این قانون در رویه بین‌المللی می‌کاهد.



^۱ رجوع شود به: علیرضا ظاهری، «تحولات قاعده مصونیت دولت: تاثیر قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران و قانون مبارزه با تروریسم ایالات متحده آمریکا»، مجله حقوقی، شماره ۳۰، صص ۱۱۹-۱۷۷.

^۲ Irwin Cotler

^۳ Andy Levy-Ajzenkopf, "Govt., opposition craft competing bills for terror victims," The Canadian Jewish News [North York], ۱۱ June ۲۰۰۹. See also, Lee Berthiaume, "Terror State List Will Hurt Foreign Policy Goals: Experts," Embassy [Ottawa], ۱۰ June ۲۰۰۹.





عدم مشروعیت این قانون حتی نزد حقوقدانان کانادایی کاملاً مشهود و هویداست و قوای مجریه کانادا همواره به فکر پیامدهای بین‌المللی این قانون برای کشور کانادا بوده است؛ به طوری که به واسطه‌ی پیگیری‌هایی که از جانب قوای مجریه‌ی کانادا صورت گرفت و مذاکراتی که با حقوقدانان قوه‌ی قضاییه کانادا در این خصوص صورت گرفت، تنها موردی که این قانون فرصت اجرا پیدا کرده بود یعنی، رای دادگاهی در اونتاریو کانادا جهت توقیف اموال سفارت ایران در شهر «اتاوا» و مرکز فرهنگی سابق ایران در شهر «تورنتو»^۱ توسط «دیوان عالی عدالت اونتاریو» نقض شد. حقوقدانان وزارت دادگستری کانادا به واسطه‌ی عدم امکان بیان صریح عدم مشروعیت این قانون

^۱ این دادگاه مدعی است که ضبط این اموال بخشی از ۱۳ میلیون دلار غرامتی است که ایران باید بر اساس حکم یک دادگاه آمریکایی به خانواده «مارلابنت» آمریکایی که ادعا شده در یک حمله تروریستی کشته شده است بپردازد. «مارلابنت» در جریان حمله‌ای در دانشگاهی در شهر بیت المقدس که ۱۰ سال پیش انجام گرفته کشته شده است. در آن زمان ادعا شد این حمله توسط حماس انجام شده است، اما خانواده این قربانی علیه سازمان‌های اطلاعاتی ایران به یک دادگاه آمریکایی شکایت کردند. این دادگاه آمریکایی در سال ۲۰۰۷ حکم داد که حماس مسئول بمب گذاری سال ۲۰۰۲ در دانشگاه «هیرون» بوده است. دادگاه مذکور همچنین مقرر کرد وزارت اطلاعات و نهادهای امنیتی ایران حدود ۱۳ میلیون دلار به عنوان غرامت به خانواده «مارلابنت» پرداخت کنند. قاضی دادگاه ائتاریو در توضیح این پرونده گفت: «خانواده قربانی نتوانسته‌اند حکم دادگاه آمریکایی درباره اموال ایران را در خاک آمریکا به اجرا بگذارند و به همین دلیل آنها اموال ایران در کانادا را هدف گرفته‌اند». وکلای مدافع این پرونده مدعی بودند که قطع مناسبات دیپلماتیک بین ایران و اروپا باعث شد وکلای خانواده قربانی نتوانند علیه مقامات ایرانی ساکن در کانادا اعلام جرم کنند. دولت کانادا در شهریور ماه سال ۱۳۹۱ سفارتش در ایران را تعطیل کرد و به دیپلمات‌های ایران در کانادا اعلام کرد ظرف ۵ روز خاک این کشور را ترک کنند. لازم به ذکر است که در جلسه رسیدگی به این پرونده در استان ائتاریو کانادا، نماینده‌ای از دولت ایران حضور نداشت.





تنها به این نکته اشاره کردند که: «هرچند مصونیت دولتی ایران در کانادا لغو شده است اما مصونیت دیپلماتیک این کشور به قوت خود باقی است». این حقوقدانان همچنین اشاره کرده‌اند، صدور اجازه ضبط اموال دیپلماتیک ایران در اتاوا - شامل ساختمان سفارت و اقامتگاه سفیر - به منزله نقض حقوق بین‌الملل است و سبب می‌شود هیأت‌های دیپلماتیک کانادا در نقاط گوناگون جهان، در معرض اقدامات مشابه قرار بگیرند. در بیانیه این حقوقدانها آمده است: «ناتوانی کانادا در محافظت اموال دیپلماتیک از ضبط شدن توسط مدعیان علیه ایران، می‌تواند تأثیر منفی بر مصونیت اموال دیپلماتیک کانادا در بیرون از کشور داشته باشد»^۱.

نتیجه گیری

تصویب قانون C-۱۰ در پارلمان کانادا و استفاده از عبارات بسیار کلی در بیان مواردی که تحت شمول این قانون قرار می‌گیرند؛ به طور کلی قرار گرفتن تروریسم به عنوان مبنایی برای سلب مصونیت از کشور خارجی علاوه بر این که در حقوق بین‌الملل از مشروعیتی برخوردار نیست برای دولت کانادا نیز پیامدهای بسیاری به دنبال خواهد داشت. تجربه‌ی ایالات متحده نشانگر چالش‌های بسیاری است که چنین طرح‌های قانونی از سویی برای پاسخ‌گویی



^۱Adrian Humphrey, Ottawa criticized for backing Iran in court cases aimed at handing Tehran's Canadian assets to victims of terror, Canadian National Post, ۱۳/۰۴/۱۲ available in: <http://news.nationalpost.com/۲۰۱۳/۰۴/۱۲/canada-supports-iran-in-court-cases/>





به نیاز زیان دیدگان و از سوی دیگر به عنوان عامل بازدارنده با آن مواجه هستند.

علاوه بر این سوالات و ابهامات زیادی در خصوص علل تصویب این قانون وجود دارد زیرا قبل از تصویب این قانون در سال ۲۰۱۲، گفتمان غالب کانادا فقدان مصونیت دولت برای نقض قواعد آمرهای حقوق بشر و بشردوستانه بوده و اساساً بحث تروریسم مطرح نبوده است. اما رای ۲۰۱۲ دیوان بین‌المللی دادگستری باعث چرخش کامل در این گفتمان قانونگذاری می‌شود و نهایتاً پارلمان این کشور تصمیم می‌گیرد که از دک‌ترین سلسله مراتب هنجاری و بحث قاعده‌ی آمره و این که درج‌نایات بین‌المللی یک دولت نمی‌تواند مصونیت داشته باشد دست کشیده و به بحث تروریسم بین‌المللی که فکر می‌کند می‌تواند سیستم جدیدی را در عرصه‌ی بین‌المللی به مصونیت دولت وارد کند و مقبولیت بیشتری دارد متمایل شوند.

در خصوص عدم مشروعیت این قانون باید به این نکته اشاره داشت که برخورد انفعالی دولت کانادا در خصوص تنها موردی که امکان اجرای این قانون فراهم شد؛ خود گویای عدم مشروعیت این قانون و ترس مقامات کانادایی در خصوص پیامدهای ناگوار این قانون برای این کشور است.





منابع و مأخذ

الف- فارسی

۱. امینی، اعظم؛ « مفهوم مصونیت قضایی دولت‌ها و استثناء نقض حقوق بشر»، نامه مفید، شماره ۷۹، شهریور ۱۳۸۹.
۲. خندان کوچکی، جمال، «پیدا و پنهان اقدام کانادا»، روزنامه شرق، شماره ۱۶۲۷، ۱۳۹۱/۶/۲۶.
۳. ظاهری، علیرضا؛ «تحولات قاعده مصونیت دولت: تاثیر قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران و قانون مبارزه با تروریسم ایالات متحده آمریکا»، مجله حقوقی، شماره ۳۰، بهار ۱۳۸۳.
۴. عبدالمهی، محسن، شافع، میر شهبیز، مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل، اداره چاپ و انتشارات ریاست جمهوری، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۵. عبدالمهی، محسن، خلف رضایی، حسین، «معادله تعارض اصل مصونیت دولت با قواعد آمره حقوق بشر»، مجله نامه مفید، شماره ۷۹، شهریور ۱۳۸۹.
۶. عبدالمهی، محسن؛ «تروریسم به مثابه استثنای در حال ظهور مصونیت دولت: قانون جدید کانادا»، سخنرانی در همایش بین‌المللی مصونیت در حقوق بین‌الملل که ۲۹ و ۳۰ آذر ماه ۱۳۹۱.
۷. مرل دی کلرهایلز جونیور، «ایالات متحده کره شمالی را از فهرست کشورهای حامی تروریسم خارج ساخت»، سایت رسمی وزارت خارجه آمریکا به آدرس:





<http://www.america.gov/st/peacesec-persian/۲۰۰۸/October/۲۰۰۸۱۰۲۲۱۰۵۲۰۱dmslahrellek۰۸۶۲۴۵۳۶.html>

۸. وبگاه موسسه حقوق بین الملل پارس، " نقض مصونیت ایران توسط کانادا" موجود در:

<http://www.internationallaw.blogfa.com/post-۹۹۳.aspx>

ب- انگلیسی

۱. Bell, Stewart, " **Families to ask Ottawa for right to sue terrorist Backers**", National Post, ۱۵ april ۲۰۰۵.
۲. Bell, Stewart, "**Lebanese Canadian Bank sued for alleged Hezbollah Connections**", National Post, ۷ July ۲۰۰۸.
۳. Canadian Center for International Justice, " **Justice for One, Justice for All: Victims of Turture Should be Entitled to the Same Justice as Victimes of Terrorism**," News release, Ottawa, ۲ June ۲۰۰۹
۴. Don Martin, "**Great, now we can sue bin Laden, we just have to find him**," Ottaqa Citizen, ۳ june ۲۰۰۹
۵. Everett, Robert, "**What Bill C-۱۹ could mean for Canada's native people**", The Globe and Mail, York University Library, available in: <http://www.theglobeandmail.com/news/politics/law-and-disorder-what-bill-c-۱۰-could-mean-for-canadas-native-people/article۵۴۸۰۷۷/?page=all>





۶. Harrington, Joanna, " **If not torture, then how about terrorism – Canada amends its State Immunity Act**", Available in: <http://www.ejiltalk.org/if-not-torture-then-how-about-terrorism-canada-amends-its-state-immunity-act/>
۷. International Court Of justice, " Germany institutes proceedings against Italy for failing to respect its jurisdictional immunity as a sovereign State," News release, The Hague, ۲۳ December ۲۰۰۸
۸. Lee Berthiaume, " **Terror State List Will Hurt Foreign Policy Goals: Experts**," Embassy [Ottawa], ۱۰ June ۲۰۰۹
۹. Levy-Ajzenkopf, Andy, " **Govt., Opposition craft competing bills for terror victims**," The Canadian Jewish News [North York], ۱۱ June ۲۰۰۹.
۱۰. Pavoni, Riccardo " **An American Anomaly? On the ICJ's Selective Reading of United States Practice in Jurisdictional Immunities of the State**", Italian Yearbook of International Law, Volume XXI (۲۰۱۱), pp. ۱۴۳-۱۵۹, Martinus Nijhoff, ۲۰۱۲, Available in: www.sidi-isil.org/wp.../۰۵/Pavoni_an-american-anomaly.pdf
۱۱. Ranganathan, Prasanna, " **Survivors of Torture, Victims of Law: Reforming State Immunity in Canada by Developing Exceptions for Terrorism and Torture**," Saskatchewan Law Review, Vol. ۷۱, ۲۰۰۸.

